

تاریخ ادوار حدیث

دوس

ہادی بخنی

تحریر

مصطفیٰ الہ دادی دستبردی

سید مرتضیٰ سجادی

فهرست مطالب

۱۳	مقدمهٔ مدرّس.....
۱۵	پیشگفتارِ محرّران.....

دورهٔ نخست: زمان رسول الله ﷺ / ۱۹

۲۱	اشاره.....
۲۱	تعلیم دین توسط پیامبر ﷺ.....
۲۲	اهمیت کتابت و ترغیب به آن.....
۲۳	کتابت از منظر قرآن و روایات.....
۲۳	الف) قرآن.....
۲۶	ب) روایات.....
۲۶	۱. خبر حسین اُحْمَسی.....
۲۶	۲. مرسلهٔ مفضّل بن عمر.....
۲۹	تدوین حدیث در زمان پیامبر خدا ﷺ.....
۲۹	مبحث نخست: مکتوبات علی (علیه السلام) از سنت پیامبر ﷺ.....
۳۰	کتاب نخست: صحیفهٔ رسول الله ﷺ.....
۳۰	روایت نخست: حسنهٔ کُلیب اسدی.....
۳۱	روایت دوم: حسنهٔ مثنیٰ بن اسد حنّاط.....
۳۲	روایت سوم: خبر فضیل بن سعدان.....
۳۶	کتاب دوم: صحیفهٔ الفرائض.....
۳۷	روایت نخست: صحیحۀ محمّد بن مسلم.....
۳۸	روایت دوم: خبر ابوبصیر.....
۳۹	روایت سوم: صحیحۀ ابوبصیر.....
۴۰	روایت چهارم: صحیحۀ محمّد بن مسلم.....

- روایت پنجم: معتبره عبدالملک بن اعین..... ٤١
- روایت ششم: صحیحہ محمد بن مسلم..... ٤٢
- روایت ہفتم: خبر زراره..... ٤٤
- روایت ہشتم: صحیحہ زراره..... ٤٤
- کتاب سوم: الجامعہ..... ٥١
- روایت اول: صحیحہ ابوبصیر..... ٥١
- روایت دوم: صحیحہ ابوعبیدہ حذاء..... ٥٢
- روایت سوم: مرسلہ ابوبصیر..... ٥٢
- روایت چہارم: حسنہ علی بن حسن فضال..... ٥٣
- روایت پنجم: خبر علی بن ابی حمزہ بطائنی..... ٦٠
- روایت ششم: خبر ابی شیبہ خراسانی..... ٦١
- روایت ہفتم: صحیحہ ابوبصیر..... ٦١
- روایت ہشتم: صحیحہ ابوعبیدہ حذاء..... ٦٤
- روایت نہم: معتبرہ حسن بن فضال..... ٦٤
- روایت دہم: مرفوعہ شیخ مفید..... ٦٧
- کتاب چہارم: جفر..... ٦٩
- روایت نخست: صحیحہ ابوبصیر..... ٦٩
- روایت دوم: صحیحہ حسین بن ابی العلاء..... ٧١
- روایت سوم: مرسلہ سلیمان بن خالد..... ٧٢
- روایت چہارم: صحیحہ ابوعبیدہ حذاء..... ٧٣
- روایت پنجم: صحیحہ ابوبصیر..... ٧٤
- روایت ششم: صحیحہ ابوعبیدہ حذاء..... ٧٧
- روایت ہفتم: خبر عنبسة بن مصعب..... ٧٩
- روایت ہشتم: صحیحہ عبداللہ بن سنان..... ٨٠
- روایت نہم: مرسلہ ابی القاسم کوفی..... ٨٠
- روایت دہم: صحیحہ عبداللہ بن سنان..... ٨١
- روایت یازدہم: خبر رفید مولى ابی ہبیرہ..... ٨١
- روایت دوازدهم: خبر علی بن سعد..... ٨٣
- روایت سیزدہم: صحیحہ سلیمان بن خالد..... ٨٥
- روایت چہاردہم: موثقہ عبداللہ بن سنان..... ٨٦

- روایت پانزدهم: خبر علی بن سعید..... ۸۷
- روایت شانزدهم: خبر علی بن ابی حمزه بطائنی..... ۸۸
- روایت هفدهم: علی بن سعید..... ۸۹
- روایت هیجدهم: خبر ابو حمزه ثمالی..... ۹۰
- روایت نوزدهم: خبر نعیم بن قابوس..... ۹۳
- نتیجه و جمع بندی در باب جفر..... ۹۳
- تفاوت جفر و جامعه..... ۹۴
- کتاب پنجم: مصحف فاطمه علیها السلام..... ۹۴
- الف) روایات کافی در باب مصحف فاطمه علیها السلام..... ۹۴
- روایت نخست: صحیحۀ ابوبصیر..... ۹۴
- روایت دوم: صحیحۀ حمّاد بن عثمان..... ۹۶
- روایت سوم: مرسلۀ سلیمان بن خالد..... ۹۷
- روایت چهارم: صحیحۀ ابی عبیده حدّاء..... ۹۸
- روایت پنجم: صحیحۀ زرارہ..... ۹۹
- روایت ششم: خبر فضیل بن شکرہ..... ۱۰۰
- نتیجۀ روایات کافی..... ۱۰۱
- ب) روایات بصائر الدرجات در باب مصحف فاطمه علیها السلام..... ۱۰۱
- روایت هفتم: خبر علی بن ابی حمزه بطائنی..... ۱۰۱
- روایت هشتم: خبر محمّد بن مسلم..... ۱۰۲
- روایت نهم: خبر علی بن سعد..... ۱۰۳
- روایت دهم: حسنۀ علی بن حسن فضّال..... ۱۰۳
- روایت یازدهم: موثقه ابوبصیر..... ۱۰۵
- روایت دوازدهم: خبر ابی حمزه..... ۱۰۵
- روایت سیزدهم: معتبرۀ ولید بن صبیح..... ۱۰۶
- روایت چهاردهم: خبر علی بن ابی حمزه بطائنی..... ۱۰۶
- نکتۀ پایانی..... ۱۰۸
- کتاب ششم: کتاب علی علیه السلام..... ۱۱۰
- روایت نخست: موثقه طلحة بن زید..... ۱۱۰
- روایت دوم: حسنۀ بکر بن کرب صیرفی..... ۱۱۱
- روایت سوم: خبر ابی خالد کابلی صغیر..... ۱۱۲

- روایت چهارم: موثقه غیاث بن ابراهیم..... ۱۱۴
- روایت پنجم: موثقه سماعة بن مهران..... ۱۱۶
- روایت ششم: صحیحہ ابوبصیر..... ۱۱۷
- روایت هفتم: صحیحہ حفص و سلمه..... ۱۱۸
- روایت هشتم: خبر فضیل بن یسار..... ۱۱۸
- روایت نهم: خبر مروان..... ۱۱۹
- روایت دهم: خبر محمد بن حکیم..... ۱۱۹
- روایت یازدهم: خبر عنیسه عابد..... ۱۲۰
- روایت دوازدهم: خبر عبدالله بن میمون القداح..... ۱۲۱
- کتاب هفتم: مصحف علی (علیه السلام)..... ۱۲۲
- الف) روایات خاصه..... ۱۲۳
- روایت نخست: معتبره سلیم بن قیس هلالی..... ۱۲۳
- روایت دوم: معتبره دوم سلیم..... ۱۲۵
- روایت سوم: معتبره سوم سلیم..... ۱۲۸
- روایت چهارم: صحیحہ محمد بن مسلم..... ۱۲۹
- روایت پنجم: صحیحہ جابر..... ۱۳۰
- روایت ششم: حسنہ سالم بن ابی سلمه..... ۱۳۰
- روایت هفتم: صحیحہ ابی بکر حضرمی..... ۱۳۲
- روایت هشتم: خبر ابو حمزه ثمالی..... ۱۳۳
- روایت نهم: مرسله عیاشی..... ۱۳۳
- روایت دهم: خبر جابر بن یزید جعفی..... ۱۳۵
- ب) روایات عامه..... ۱۳۶
- روایت نخست..... ۱۳۶
- روایت دوم..... ۱۳۶
- روایت سوم..... ۱۳۷
- دیدگاه علما در باب مصحف علی (علیه السلام)..... ۱۳۸
- دیدگاه شیخ مفید رحمته الله..... ۱۳۸
- دیدگاه شهرستانی..... ۱۳۸
- دیدگاه ابن ابی الحدید..... ۱۳۹
- دیدگاه ابن جزری کلبی..... ۱۳۹

- دیدگاه آیه‌الله خویی قدس سره ۱۴۰
- دیدگاه مختار ۱۴۰
- مبحث دوم: دیگر کتاب‌های اصحاب ۱۴۲
- یکم: صحیفه عمرو بن حزم انصاری ۱۴۲
- عمرو بن حزم کیست؟ ۱۴۴
- دوم: کتاب سعد بن عبادہ انصاری ۱۴۵
- سعد بن عبادہ کیست؟ ۱۴۵
- قیس بن سعد بن عبادہ کیست؟ ۱۴۸
- سوم: کتاب جابر بن عبدالله انصاری ۱۴۹

دوره دوم: چند روز پیش از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا اواخر قرن اوّل / ۱۵۷

- اشاره ۱۵۹
- مبحث نخست: منع عمر از نوشتن وصیت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۵۹
- مبحث دوم: سوزاندن احادیث ۱۷۶
- کتابخانه سوزی به دستور عمر ۱۷۸
- گزارش آتش زدن کتابخانه اسکندریه در منابع تاریخی ۱۷۹
- موافقان آتش زدن کتابخانه و دلایل آنان ۱۸۱
- مخالفان آتش زدن کتابخانه و دلایل آنان ۱۸۲
- مبحث سوم: نهی از نقل حدیث ۱۸۶
- مبحث چهارم: حبس راویان حدیث ۱۸۸
- مبحث پنجم: منع از تفکر و تدبّر در آیات قرآن ۱۹۱
- مبحث ششم: منع از حفظ و نگهداری کتب ۱۹۳
- رفتار عمر با راویان حدیث ۱۹۶
- مطلب نخست: منع خواص از نقل حدیث ۱۹۶
- مطلب دوم: ممنوع الخروجی یا تهدید به تبعید برخی از صحابه ۱۹۷
۱. ابومسعود و ابن مسعود انصاری ۱۹۷
- ۲- تهدید ابوهریره به تبعید ۱۹۸
- ۳- منع ابوموسی اشعری ۱۹۹
- مطلب سوم: نهی عموم مردم از نقل حدیث ۱۹۹
- مطلب چهارم: ایجاد فضای ارعاب و تهدید ۲۰۰

۱. نسبت به ابوموسی اشعری ۲۰۰
- ۲- نسبت به ابی بن کعب ۲۰۲
- مطلب پنجم: فراخواندن اصحاب به مدینه و حکم به اقامت اجباری ۲۰۳
- مبحث هفتم: علل منع خلفا از تدوین حدیث ۲۰۶
۱. وحدت امت و دوری از ایجاد اختلاف ۲۰۶
- تفاوت حکم و فتوا ۲۱۰
۲. دوری از مهجوریت قرآن ۲۱۵
۳. عدم اختلاط قرآن با احادیث ۲۱۶
- تفاوت قرآن با احادیث قدسی ۲۲۰
۴. تسلط و حکومت بر مردم ۲۲۵
- مبحث هشتم: اثرات سوء ممنوعیت تدوین و نشر حدیث بر فرهنگ جامعه ۲۲۹
۱. تبعیت کورکورانه دیگر خلفا از این روش ۲۲۹
۲. پدیدآمدن احادیث دروغین و ساختگی ۲۳۱
۳. راهیابی اوهام و خطا در اذهان ۲۳۶
۴. عدم شناخت احادیث ناسخ از منسوخ ۲۳۷
۵. تصدی ناهلان بر بیان احکام ۲۴۰
۶. خلل و اختلاف در احکام و قضاوتها ۲۴۱
۷. ورود اسرائیلیات در احادیث ۲۴۶
۸. ظهور داستان سرایان ۲۵۳

دوره سوم: از اواخر قرن اول تا حدود نیمه قرن دوم / ۲۵۹

- اشاره ۲۶۱
- مبحث نخست: الغای منع تدوین حدیث ۲۶۱
- رفع ممنوعیت توسط عمر بن عبدالعزیز ۲۶۱
- مشکلات دولت مروانیان ۲۶۲
۱. ابتلا به علویان و هواداران شان ۲۶۲
۲. بازگشت خوارج و قیام زبیریان ۲۶۳
۳. نارضایتی مردم ۲۶۳
۴. تغییر احکام دینی ۲۶۳
- زهری کیست؟ ۲۷۰

- علت و پشت‌پرده الغای منع تدوین حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز..... ۲۷۱
- دو مأمور تدوین حدیث به دستور عمر بن عبدالعزیز..... ۲۷۳
۱. محمّد بن ابوبکر بن محمّد بن عمرو بن حزم..... ۲۷۳
۲. محمّد بن مسلم بن شهاب زهری..... ۲۷۴
- مبحث دوم: عملکرد عامه در این دوره..... ۲۷۹
- ابوحنیفه؛ یگانه شخصیت عامه در این دوره..... ۲۸۲
- مشی سیاسی ابوحنیفه..... ۲۸۴
- مشی علمی ابوحنیفه..... ۲۸۵
- تأثیر‌پذیری ابوحنیفه از اهل بیت علیهم‌السلام..... ۲۸۶
۱. صحیحۀ معاویة بن عمّار..... ۲۸۶
۲. خبر وصیّ علی بن سرّی..... ۲۸۸
۳. بیان کامل محمّد عویضه..... ۲۹۰
۴. بیان محمّد ابوزهره..... ۲۹۱
- مواجهۀ ابوحنیفه با احادیث..... ۲۹۲
۱. سختگیری در شروطِ تحمّل حدیث..... ۲۹۲
۲. عدم دسترسی به احادیث..... ۲۹۵
۳. وجود موانع اقلیمی (فکری و فرهنگی)..... ۲۹۶
۴. عدم اطمینان به نقل رُوات..... ۲۹۷
- دیدگاه اهل حدیث درباره ابوحنیفه..... ۲۹۹
- کتاب‌های ابوحنیفه..... ۲۹۹
- نشر مذهب حنفی..... ۳۰۰
- شاگردان ابوحنیفه..... ۳۰۰
۱. قاضی ابویوسف..... ۳۰۱
۲. محمّد بن حسن شیبانی..... ۳۰۱
- مواجهۀ شاگردان ابوحنیفه با روایات..... ۳۰۴
- مواجهه و تعامل حنفیان با حدیث..... ۳۰۸
۱. روایات حنفیان..... ۳۰۸
- الف) روایت ابن ابی کریمه..... ۳۰۸
- ب) روایت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام..... ۳۰۹
- ج) روایت ثقه از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم..... ۳۱۰

۲. کلمات و دیدگاه حنفیان ۳۱۱
- نقد عملکرد ابوحنیفه ۳۲۲
- مبحث سوم: عملکرد شیعه در این مرحله ۳۲۴
- علل رواج و کثرت روایات شیعه ۳۲۵
۱. الغای منع تدوین و نشر حدیث ۳۲۵
۲. رجوع مردم به دو امام علیهما السلام ۳۲۶
- مصدر و منبع روایات امامین صادقین علیهما السلام ۳۳۰
- علت عدم دسترسی مردم به کتب امیرمؤمنان علیه السلام ۳۳۰
- طرق اخذ حدیث از امامین صادقین علیهما السلام ۳۳۱

دوره چهارم: از حدود نیمه قرن دوم تا اوائل قرن سوم / ۳۳۷

- اشاره ۳۳۹
- خلفا و حاکمان در این دوره ۳۳۹
- مبحث نخست: علمای عامه در این دوره ۳۴۰
۱. مالک بن انس ۳۴۰
- دیدگاه مالک درباره شخصیت امام صادق علیه السلام ۳۴۰
- ویژگی‌های مالک بن انس ۳۴۱
- کتاب مالک بن انس ۳۴۸
- تعداد احادیث کتاب الموطأ ۳۵۲
- نسخه‌های کتاب الموطأ ۳۵۴
- دیدگاه علمای شیعه درباره مالک بن انس ۳۶۰
۲. یحیی بن سعید قطان ۳۶۴
- مبحث دوم: عملکرد اهل بیت علیهم السلام و شیعیان در این دوره ۳۶۴
- دوران امام موسی بن جعفر علیه السلام ۳۶۵
- نمونه‌ای از جنایات منصور ۳۶۵
- دوران امام رضا علیه السلام ۳۶۸
- کتاب‌ها و آثار منسوب به امام رضا علیه السلام ۳۶۹

دوره پنجم: از اوائل قرن سوم تا پس از نیمه آن / ۳۷۲

- اشاره ۳۷۴
- مبحث نخست: علمای اهل سنت در این دوره ۳۷۴

۱. محمد بن ادريس شافعی (۱۵۰ تا ۲۰۴ق)..... ۳۷۴
- استادان و تحصیلات شافعی..... ۳۷۵
- دیدگاه سیاسی شافعی..... ۳۷۵
- اشعار شافعی در باب محبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)..... ۳۷۹
- دو دیدگاه فقهی شافعی..... ۳۸۶
- دیدگاه شافعی درباره احادیث..... ۳۸۶
- شروط شافعی در پذیرش احادیث..... ۳۸۸
۲. احمد بن حنبل (۱۶۴ تا ۲۴۱ق)..... ۳۹۰
- زندگی و جایگاه احمد حنبل در نزد عامه..... ۳۹۰
- عقائد و آرای احمد حنبل..... ۳۹۸
- تالیفات احمد حنبل..... ۴۰۳
- مسند احمد حنبل تألیف کیست؟..... ۴۰۴
۳. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ تا ۲۵۶ق)..... ۴۰۶
- ویژگی‌های کتاب بخاری..... ۴۰۷
- الف) شرط بخاری..... ۴۰۷
- ب) تنظیم صحیح بخاری..... ۴۰۹
- ج) وجود احادیث معلق..... ۴۰۹
- جایگاه بخاری نزد اهل سنت..... ۴۱۰
- نقدها بر صحیح بخاری..... ۴۱۰
- الف) عدم نقل از ائمه شیعه (علیهم السلام) و اصحابشان..... ۴۱۲
- ب) تقطیع و تکرار احادیث..... ۴۱۳
- ج) وجود روایات غیر قابل دفاع..... ۴۱۳
۴. مسلم بن حجاج بن ورد بن کوشاذ نیشابوری (۲۰۴ تا ۲۶۱ق)..... ۴۱۶
- زندگی‌نامه مسلم..... ۴۱۶
- استادان مسلم..... ۴۱۶
- شاگردان مسلم..... ۴۱۷
- تالیفات مسلم..... ۴۱۸
- ویژگی‌های کتاب صحیح مسلم..... ۴۱۸
- تفاوت بخاری با مسلم در تدوین صحیح..... ۴۲۰
- اهل بیت (علیهم السلام) در صحیح مسلم..... ۴۲۰

- ۴۲۱ جایگاه صحیح مسلم نزد عامه و شیعه
- ۴۲۲ نقدها بر صحیح مسلم
- ۴۲۴ کتاب‌های مرتبط با صحیح مسلم
- ۴۲۴ مستدرکات بر صحیح مسلم
- ۴۲۵ تلخیص‌های صحیح مسلم
- ۴۲۵ کتاب‌های انتقادی بر صحیح مسلم
- ۴۲۶ چاپ‌های صحیح مسلم
- ۴۲۶ اوضاع سیاسی و فرهنگی این دوره
- ۴۲۷ جریان‌های سیاسی این دوره
- ۴۲۸ دو جریان مهم فرهنگی در این دوره
- ۴۲۸ جریان فرهنگی نخست
- ۴۲۹ جریان فرهنگی دوم
- ۴۳۵ عملکرد محدثان عامه
- ۴۴۱ معیار محدثان عامه در جرح و تعدیل
- ۴۴۱ ۱- اهل هوا و بدعت بودن
- ۴۴۱ ۲- باور و اعتقاد راوی
- ۴۴۲ ۳- اطاعت یا نافرمانی از حاکم
- ۴۴۴ ۴- دشمنی یا دوستی با امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و اهل بیت (علیهم‌السلام)
- ۴۵۱ ۵- باور به قدمت یا حدوث قرآن
- ۴۵۷ نتیجه‌ای مهم
- ۴۵۸ مبحث دوم: عملکرد اهل بیت (علیهم‌السلام) و علمای شیعه در این دوره
- ۴۵۸ تقیّه شدید در زمان امام جواد (علیه‌السلام)
- ۴۵۹ روایات و کتاب‌های امام هادی (علیه‌السلام)
- ۴۶۰ روایات و کتاب‌های امام عسکری (علیه‌السلام)
- ۴۶۵ سخن پایانی: بلای نواخباریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمهٔ مدرّس

الحمد لله الذي ملأ دفاتر الممكنات شواهد وجوب وجوده، وأخبرت آحاد الموجودات بتواتر نعمه وجوده، وروت مرسلات القطر حديث فضله العميم، وحدث مديح الروض بأخبار كرمه. نحمده على مستفيض آلائه وتواتر نعمائه. ونصلي على نبيه المرسل ومضمّر سرّه الأوّل المحمود في آي القرآن والمبعوث بأحسن الأديان والرسول الخاتم أبي القاسم محمّد وآله الذين رووا عنه حديث المجد عنه مسلسلاً بالأباء والأجداد، الذين قرّن مقبول الطاعات بإطاعتهم وجعل مرفوع الأعمال موقوفاً على ولايتهم.

ونترحم على سلفنا الصالح هداة الأئمة وسدنة علوم الأئمة الذين تحمّلوا عنهم الروايات ورفعوا لها الألوية والرايات وحفظوا الأسانيد عن القطع والتدليس بالإجازة والمناولة وصانوا حمى المتون عن التحريف بالعرض والمقابلة.

آنچه در این کتاب پیش روی خوانندهٔ محترم قرار دارد، درس گفتارهایی است که اینجانب در موضوع «تاریخ ادوار حدیث» بر دوستان القاء کرده‌ام و در قالب پنج دوره تنظیم شده است:

دورهٔ نخست: زمان رسول الله ﷺ.

دورهٔ دوم: چند روز پیش از شهادت رسول خدا ﷺ تا اواخر قرن اوّل.

دورهٔ سوم: از اواخر قرن اوّل تا حدود نیمهٔ قرن دوم (۹۳ یا ۹۴ تا ۱۴۸ق).

دوره چهارم: از حدود نیمه قرن دوم تا اوائل قرن سوم (۱۴۸ تا ۲۰۳ق).

دوره پنجم: از اوائل قرن سوم تا پس از نیمه آن (۲۰۳ تا ۲۶۰ق).
محور اصلی این درس گفتارها، رساله فی تدوین الحدیث، از تقریرات مرجع اعلاى شیعه، حضرت آیه الله العظمی سید علی سیستانی دامتله است که به قلم سرور گرامی و صدیق ارجمند، حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدعلی ربانی دامتله تقریر شده و توسط ایشان در اختیار اینجانب قرار گرفته است.
البته این دفتر نسبت به آن رساله حذف و اضافات و شرح و بسط و تغییراتی دارد که بر ناظر خبیر که هر دو را به نظاره بنشیند مخفی نخواهد ماند.

از این درس گفتارها، به خوبی، تقدّم شیعه در امر تدوین حدیث و همچنین اصالت حدیث شیعی و برتری آن بر احادیث عامه استفاده می شود.

قابل ذکر است تصحیح اوراق این دفتر در هفته ای که در جوار امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء بودم به انجام رسید؛ همان گونه که این مقدمه نیز به رسم تبرک و تیمن، در حرم مطهرش، بعد از زیارت، قلمی گردید. از این رو، این اثر را با تواضع کامل به ساحت قدس این امام همام تقدیم می کنم.

و در پایان از دوست دانشمندم استاد آقای فریبرز راهدان مفرد که زحمت ویراستاری این اثر را برعهده گرفتند صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

۱۶ جمادی الأولى ۱۴۴۵

۹ آذر ۱۴۰۲

هادی نجفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار محرّران

نگارش و ثبت و ضبط وقایع و رویدادها، همواره نشانه‌ای از اصالت و عظمت تمدن‌ها بوده و یکی از مظاهر ارزشمند فرهیختگی و دانش به‌شمار رفته است. کتابت، مهم‌ترین وسیله برای ثبت افکار، آگاهی‌ها و انتقال معارف و اخبار است و در گسترش دانش و جاودانه‌سازی ابعاد فرهنگ، نقشی شگرف دارد.

نگاهی گذرا به تمدن‌های گوناگون نشانگر می‌دهد که جوامع پیشرفته به کتابت و نگارش ارج نهاده‌اند و بشر همواره آن را وسیله‌ای برای گسترش و انتقال فرهنگ‌ها و ثبت و ضبط حوادث تلقی کرده و از آن بهره جسته است. قرآن کریم و سنت قویم نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این عرف عقلا و شیوه پسندیدة انسان‌ها را قدر دانسته و بر آن تأکید کرده است.

در بحث اجتهاد و استنباط احکام، پس از دو اصل قرآن و عقل، یکی از منابع اصلی مسلمانان و به‌خصوص شیعه، سنت نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و احادیث است. در نزد شیعه، علاوه بر سنت نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، احادیث اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز یکی از اصول استنباط احکام قلمداد می‌شود.

آنچه شبهه و تردیدی را بر نمی‌تابد، وجود نصوص فراوان و احادیث بسیاری است که نشان می‌دهد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نگارش حدیث و ثبت و ضبط گفتار خود فرمان داده و بدان اهتمام ورزیده است؛ اما

متأسفانه تدوین متون حدیثی با تأخیر و وقفه‌ای قابل توجه نسبت به دوره ظهور اسلام رخ داده است.

اندیشمندان مسلمان در توجیه این رخداد، معمولاً، به جست‌وجوی منعی از سوی اشخاص بانفوذ صدر اسلام برآمده‌اند. برخی، به‌نادرستی، پاره‌ای گفته‌ها از پیامبر ﷺ را دلیل این تأخیر شمرده و گروهی دیگر، از خلیفه اول و خلیفه دوم به‌عنوان عاملان اصلی این تأخیر یاد کرده‌اند. به دیگر سخن، صدوپنجاه سال نخست تاریخ حدیث در تلقی سنتی، همواره، در پرتو نظریه منع کتابت فهم شده است. از این رو، اندیشمندان مسلمان، با گذر سریع از محتوای آن، فقط در پی توجیه این منع یا قدح عاملان آن، بسته به دیدگاه کلامی افراد، برآمده‌اند. در این تلقی، چنین تصور می‌شود که فرمان خلیفه چنان در برابر کتابت مانع ایجاد کرد که تا حدود صد سال بعد از آن نیز از پیدایش هرگونه اثر نوشتاری جلوگیری نمود و سرانجام نیز ماجرا با فرمان خلیفه‌ای دیگر پایانی خوش یافت و نهضت تدوین در سده دوم در نزد عامه آغاز گردید.

البته در پس این ظاهر خوش و در پشت این چراغ سبز نشان دادن به تدوین حدیث توسط دستگاه خلافت وقت، دسیسه‌ای مرموزانه برای جلوگیری از نشر احادیث ناب اهل بیت ﷺ به‌صورت سری و زیرزمینی وجود داشت تا شیاطین با این روش بتوانند دست سانسور و حذف و کنترل بیشتری بر احادیث آل‌الله ﷺ بگذارند و بیش از پیش تشنگان این سرچشمه ناب را از فضائل علوم اهل بیت ﷺ محروم کنند.

منع نقل حدیث از سوی خلفا، زیان‌هایی جبران‌ناپذیر بر جامعه اسلامی وارد کرد. نابودی احادیث نبوی ﷺ، کنترل شدید، عدم تدوین کتاب‌های حدیثی عامه در قرن اول، رونق بازار جعل حدیث، پیدایش فرقه‌های مذهبی، تشدید اختلاف در جامعه اسلامی و... از آثار شوم این

حرکت بود.

اگر وجود مؤثر اهل بیت (علیهم السلام) و حضور و فداکاری راویان شیعه نبود، امروزه از بسیاری احادیث و سنن و دستوره‌های اسلامی خبر و اثری یافت نمی‌شد. در سایه عنایت خداوند و جهد و تلاش اهل بیت (علیهم السلام) و مجاهدت علما و بزرگان شیعه، دشمنان نتوانستند از فروغ و تابش این نور الهی جلوگیری کنند؛ لذا اکنون احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، هرچه بیشتر، در دسترس همگان قرار گرفته است.

استاد معظّم، آیة الله آقای حاج شیخ هادی نجفی (دامّ ظلّه)، در دوره دوم درس خارج اصول خود و در ابتدای مبحث تعادل و ترجیح، بحثی را از باب مقدمه، درباره تدوین حدیث مطرح فرمودند. ایشان در طی سی‌وسه جلسه، از تاریخ ۲۵ اردیبهشت تا ۱۶ مرداد سال ۱۴۰۰ در این باره به بحث نشستند. البته در این رساله، از باب تکمیل بحث، سه جلسه از صوت جلسات ایشان در باب رزیه یوم الخمیس (فاجعه روز پنج‌شنبه) نیز بر آن جلسات افزوده شد.

آنچه در این رساله تدوین شده، استفاده محرّران از مباحث استاد معظّم (دامّ ظلّه) است. صوت این جلسات در وبگاه ایشان به نشانی Alnajafi.ir موجود است و اگر ابهامی در این نوشتار وجود داشته باشد، با مراجعه به صوت جلسات می‌تواند برطرف شود.

این دفتر با مشورت استاد «تاریخ ادوار حدیث» نام گرفت. امید که این کوشش مورد رضایت امام‌زمان (عجل الله تعالی فرجه) و استفاده علما و فضلا و دانشجویان و طالبان فکر و اندیشه قرار گیرد.

سیّد مرتضی سجادی
مصطفی اله‌دادی دستجردی
۲۳ ربیع الآخر ۱۴۴۴

دوره نخست:

زمان رسول الله ﷺ
والرؤساة

اشاره

اهمیت تدوین حدیث: در باب تعادل و ترجیح، به‌عنوان مقدمه، متعرض بحثی ضروری و پراهمیت با نام «تاریخ ادوار حدیث» می‌شویم. در این بحث به کیفیت و چگونگی تدوین حدیث و سیر تاریخی آن تا امروز خواهیم پرداخت.

ادوار تدوین حدیث: اگر بخواهیم به مبحث سیر تاریخی تدوین حدیث پردازیم، باید آن را به چند دوره تقسیم و سپس مراحل مختلف آن را بررسی کنیم.

دوره نخست تدوین حدیث، زمان رسالت و حیات پیامبر ﷺ را دربرمی‌گیرد.

پیش از ورود در این دوره و بحث درباره آن، بیان اموری لازم است:

تعلیم دین توسط پیامبر ﷺ

یکی از مناصب و وظایف پیامبر ﷺ، تعلیم و آموزش دین به مردم است؛ همان‌طور که خداوند فرموده است:

﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۱

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۹.

پروردگارا، در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنان بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی. نوع ارتباط مردم با پیامبر، همچون ارتباط متعلم و دانشجو با معلم و آموزگار است. بنابراین، سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، تعلیم مردم است. آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام نیز مردم را به تعلم و یادگیری تشویق می‌کند و بر این کار برمی‌انگیزد.

اهمیت کتابت و ترغیب به آن

محور و اساس تعلیم و تعلم، کتابت و نوشتن است؛ لذا می‌بینیم که جوامع متمدن برای محو بی‌سوادی تلاش می‌کنند و در پی آن هستند که مردمشان توانایی خواندن و نوشتن پیدا کنند. در صدر اسلام، افرادی که توانایی کتابت و نوشتن داشتند انگشت‌شمار بودند. البته، شریعت مقدسه، مسلمانان و مردم را به علم و دانش و تحصیل و کتابت تشویق و تشجیع می‌کرد. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله صحابه را به یادگیری و کتابت تشویق و ترغیب می‌فرمود. در ماجرای اسرای جنگ بدر نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به اسیرانی که برای آزادی خویش فدیهای نداشتند می‌فرمود هر کدامتان به فرزندان مسلمین خواندن و نوشتن بیاموزید، آزاد می‌شوید. در طبقات الکبری آمده است:

أسر رسول الله صلی الله علیه و آله يوم بدر سبعين أسيراً وكان يفادي لهم على قدر أموالهم وكان أهل مكة يكتبون وأهل المدينة لا يكتبون، فمن لم يكن له فداء دُفع إليه عشرة غلمان من غلمان المدينة فعلمهم فإذا حذقوا فهو فداؤه.^۱

۱. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲.

پیامبر خدا ﷺ در روز بدر، هفتاد اسیر گرفت و برای هریک از آنان، به اندازهٔ اموالی که داشتند و به فراخور دارایی ایشان، فدیة تعیین می‌کرد و [از آنجا که] اهل مکه نوشتن می‌دانستند و اهل مدینه بی‌سواد بودند، اگر کسی از میان اسیران، مالی برای فدیة دادن نداشت، ده تن از نوجوانان مدینه را به او می‌سپردند تا آنان را نوشتن بیاموزد و چنانچه خوب بیاموزند، همان به‌عنوان فدیةٔ او باشد.

کتابت از منظر قرآن و روایات

الف) قرآن

همهٔ امور و اسناد مهم با کتابت و نوشتن محفوظ می‌ماند و ماندگار می‌شود. خداوند در قرآن کریم به کتابتِ دین و ثبت و نوشتن آن دستور داده است.

خداوند در طولانی‌ترین آیهٔ قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ ۚ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ ۚ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ

ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَدَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا^ط إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا^ط
وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ^ج وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ^ج وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ
بِكُمْ^ط وَاتَّقُوا اللَّهَ^ط وَيَعْلَمْكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^١.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه برخی از شما [به وسیلهٔ
قرض یا نسیه] به برخی دیگر بدهکار شوید که باید آن را تا سرآمدی
معین پردازید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای در میان شما متن
قرارداد را به حق و عدل بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن آن
- چنان که خدا به او آموخته است - خودداری کند. پس باید او بنویسد و
کسی که دین بر عهدهٔ اوست [= بدهکار] بر وی املاء کند و از حساب و
کیفر پروردگار خود بترسد و به هنگام املاء چیزی از آن نکاهد. و اگر
کسی که دین بر عهدهٔ اوست، کم‌خرد یا ناتوان باشد یا نتواند متن
قرارداد را املاء کند، ولی او به حق و عدل املاء نماید. و باید علاوه بر
نوشتن سند، از میان مردانتان دو تن را گواه بگیرید، و اگر دو مرد
نبودند، یک مرد و دو زن از گواهانی که می‌پسندید [شهادت آنها
پذیرفته است] گواه باشند. تعیین دو زن به جای یک مرد برای این است
که بیم آن می‌رود که یکی از آن دو زن فراموش کند، که در این
صورت، باید یکی از آن دو که به خاطر دارد، دیگری را یادآوری کند. و
گواهان نباید وقتی برای [ادای] شهادت دعوت می‌شوند خودداری
کنند. و از نوشتن دینی که آن را باید تا سرآمدش پردازید - چه کم
باشد یا زیاد - ملول نشوید. این کار نزد خدا عادلانه‌تر و برای شهادت
استوارتر و به مصون ماندن شما از تردید نزدیک‌تر است. آری، تمامی

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۸۲.

قراردادهای خود را بنویسید، مگر اینکه دادوستدی نقدی باشد که کالا و بهای آن را میان خود دست‌به‌دست می‌گردانید، که در این صورت، بر شما باکی نیست که آن را ننویسید؛ ولی هرگاه خرید و فروش کردید، بر آن گواه بگیرید، و مبدا نویسنده و گواه از سوی شما زبانی ببیند که اگر چنین کنید خدا را نافرمانی کرده‌اید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند احکام دین را به شما می‌آموزد و خدا به هر چیزی داناست.

نیز آیاتی از قرآن، به صورت اشاره یا تلویح، بر کتابت تأکید و پافشاری دارد. برای نمونه، خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتُنْتُونِ بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱

ای پیامبر، به مشرکان بگو: به من خبر دهید آنچه را که به جای خدا می‌خوانید و می‌پرستید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند تا در زمین شریک خدا باشند؟ آیا بخشی از آسمان‌ها را پدید آورده‌اند تا در آنها با خدا شریک گردند و در نتیجه، تدبیر جهان هستی را عهده‌دار و شایسته پرستش باشند؟ اگر راست می‌گویید که اینها شریک خدایند، کتابی آسمانی که پیش از قرآن نازل شده باشد و بیانگر این ادعا باشد و یا دانشی که به دست شما رسیده و سند مدّعی شماست، برای من بیاورید.

نمونه دیگر اینکه خداوند می‌فرماید:

﴿قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى﴾^۲

۱. سوره احقاف، آیه ۴.

۲. سوره طه، آیه ۵۲.

موسی گفت: علم آن نزد پروردگار من است. این علمی است که در کتابی گسترده و فراگیر ثبت شده است. پروردگار من، نه در علم خود خطا می‌کند و نه چیزی را از یاد می‌برد.

ب) روایات

در روایات شیعه و سنی درباره کتابت علم روایاتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است. در کتاب کافی بابی به نام «رِوَايَةُ الْكُتُبِ وَالْحَدِيثِ وَفَضْلِ الْكِتَابَةِ وَالتَّمَسُّكِ بِالْكِتَابِ»^۱ وجود دارد که برای نمونه می‌توان از آن میان به روایات زیر در این باره اشاره کرد:

۱. خبر حسین آخمسی

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَنِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ.^۲

امام صادق عليه السلام فرمود: قلب و دل بر کتابت و نوشته‌ها تکیه و اطمینان پیدا می‌کند.

۲. مرسله مفضل بن عمر

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ لِي: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اَكْتُبْ وَبُثَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مَتَّ فَأَوْرَثَ كُتُبَكَ بَنِيكَ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۲۶، باب ۱۷ (ج ۱، ص ۵۱).

۲. الکافی، ص ۱۲۹، ج ۱، ص ۵۲.

فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ.^۱

مفضل بن عمر گفته است که امام صادق علیه السلام به من فرمود: بنویس و دانش خود را در میان دوستانت منتشر ساز و چون مرگت رسید، آنها را به پسرانت میراث ده؛ زیرا برای مردم زمانی از فتنه و آشوب می‌رسد که آن‌ها را با کتاب انس نگیرند.

در کتاب‌های اهل سنت نیز روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باب کتابت و نوشتن وارد شده است؛ از جمله اینکه حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قِيدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ.^۲

علم و دانش را به وسیله کتابت ثابت نگه دارید.

روایت فوق در کتاب ذکر اخبار اصفهان، از حافظ ابونعیم اصفهانی، وارد شده است. او شیعه نبود؛ لکن سنی معتدلی بود.^۳

۱. الکافی، ص ۱۳۰، ح ۱۱ (ج ۱، ص ۵۲).

۲. ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. حافظ ابونعیم (به تصغیر) احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، سبط محمد بن یوسف بناء اصفهانی، محدث جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله، در رجب سال ۳۳۰ یا ۳۳۶ ق در اصفهان متولد شد. برای اخذ حدیث و تحصیل علم، به شهرهای مختلف مسافرت کرد. سرانجام، در یکشنبه ۲۱ محرم سال ۴۳۰ ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان آب‌بخشان مدفون گردید. شرح حالش در عموم کتب شیعه و سنی به جلالت قدر و وثاقت، مذکور است.

کتاب‌های زیر از اوست:

۱. اربعین در حالات حضرت مهدی علیه السلام.

۲. تاریخ اصفهان، در دو مجلد.

۳. حلیة الأولیاء، معروف‌ترین تألیف او.

۴. ذکر المهدی علیه السلام.

۵. ما نزل من القرآن فی أمير المؤمنين علی علیه السلام.

۶. معرفة الصحابة.

اینکه رسول خدا ﷺ به کتابت و نوشتن امر می‌کند و به آن

و یازده مجلد کتاب دیگر.

در کتب رجال، از او به حافظ اصفهان و گاهی حافظ دنیا تعبیر می‌کنند. وی از اجداد علامه مجلسی است. برخی او را سنی یا صوفی و عده‌ای شیعه می‌دانند. از ابی‌بکر احمد بن علی بن ثابت خطیب نقل شده است که گوید: جمع کرد بین حدیث و فقه و تصوف، و ندیدم احدی را از مشایخ خود، حافظ‌تر از او. از شیخ ابوعبدالله محمد بن محمد اصفهانی نقل شده است که چون سلطان محمود غزنوی بر اصفهان استیلا یافت، از طرف خود کسی را بر این شهر والی گردانید. مردم بر او بشوریدند و او را کشتند. سلطان محمود مجدداً به شهر مراجعت نمود و مردم را تأمین داد و از تقصیر آنان درگذشت. چون روز جمعه شد و مردم برای اقامه نماز جمعه در مسجد حاضر شدند، جمعی کثیر از مردم بکشت و چون مردم شهر قبلاً حافظ ابونعیم را از ورود به مسجد منع کرده بودند از این مهلکه جان به سلامت برد. این موضوع را از کرامات حافظ دانسته‌اند.

مؤلف *طرائق الحقایق* (ج ۲، ص ۲۵۱) وی را از مورخان صوفیه برشمرده است. در مذهب حافظ ابونعیم اختلاف است. در *روضات الجنات* (ج ۱، ص ۷۵) گوید: نقل شده است که میرلوحی موسوی سبزواری، ساکن اصفهان، از جمله کسانی است که با مجلسی عداوت داشته و از جهت همین عداوت، مردم را تحریک نموده و قبر حافظ ابونعیم را خراب کرده و از این تخریب قصد اذیت و آزار علامه مجلسی را داشته است.

و هم در آنجا از *نظام الاقوال* نقل می‌کند که قبر حافظ ابونعیم در اصفهان است. آن را زیارت کرده‌ام و بر آن مکتوب است:

«قال رسول الله ﷺ: مکتوب علی ساق العرش: لا إله إلا الله، وحده لا شریک له،

محمد بن عبدالله عبدي ورسولي، وأیدته بعلي بن أبي طالب (عليه السلام)، رواه الشيخ الحافظ المؤمن الثقة العدل أبو نعیم أحمد بن محمد بن عبدالله، سبط أحمد بن يوسف البناء الاصفهاني».

یادآور می‌شود در محدوده آب‌بخشان اصفهان (میدان شهدای فعلی) قبرستانی بوده است به نام آب‌بخشان که الآن تخریب شده و قبر حافظ ابونعیم در آنجا بوده است.

دستور می‌دهد، بیانگر اهمیت این موضوع است؛ زیرا در پرتو کتابت است که سنت و نیز روایات و گفتار ایشان که رکنی از ارکان دین محسوب می‌شود ثبت می‌گردد.

تدوین حدیث در زمان پیامبر خدا ﷺ

آیا سنت و احادیث پیامبر ﷺ در زمان حیات ایشان تدوین و کتابت می‌شد؟

شواهد تاریخی و روایی بر این مطلب دلالت دارد که تعدادی از صحابه در زمان پیامبر خاتم ﷺ به کار کتابت اقدام کردند و بدان مشغول شدند. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در رأس کسانی قرار داشت که به این کار مهم اقدام کردند و به کتابت و نوشتن سنت و احادیث نبوی ﷺ اهتمام ورزیدند.

مبحث نخست: مکتوبات علی (علیه السلام) از سنت پیامبر ﷺ

بیشترین چیزی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باب سنت پیامبر ﷺ تدوین و جمع‌آوری کرده به املاء و فرمان رسول الله ﷺ و دستخط خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است. ائمه هدی (علیهم السلام) و فرزندان علی (علیه السلام)، در مواردی متعدد، به این مکتوبات و صحف تمسک کرده‌اند.

به اعتبار اینکه این مکتوبات را پیامبر ﷺ املاء نمودند، می‌توان آن را به رسول الله ﷺ نسبت داد و نیز به جهت اینکه امیرمؤمنان (علیه السلام) آن را نوشته است، می‌توان آن را به علی (علیه السلام) نسبت داد.

ناگفته نماند که در روایات، عناوین دیگری بر مکتوبات فوق نیز اطلاق شده است. برای نمونه، از این مکتوبات با نام جفر و مصحف فاطمه (علیها السلام) و امثال آن نیز یاد شده است که در ادامه بحث آنها را بررسی خواهیم کرد.

آنچه از روایات ظاهر می‌شود این است که نوشته‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) که به املائی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است متعدد بوده است.

کتاب نخست: صحیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله)

روایات متعددی درباره صحیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

روایت نخست: حسنه کلب اسدی

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ كَلْبِ بْنِ الْأَسَدِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: وَجَدَ فِي ذُوَابَةِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) صَحِيفَةً
مَكْتُوبٌ فِيهَا: لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ عَلَى مَنْ أَحَدَثَ حَدَّثًا أَوْ أَوَى مُحَدِّثًا؛ وَمَنْ
ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، فَهُوَ كَافِرٌ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)؛ وَمَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ،
فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۱

کلب اسدی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: در آویزه شمشیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نامه‌ای یافت شد که در آن نوشته بود: لعنت خدا و فرشتگان بر کسی که بدعتی در دین بگذارد یا بدعت‌گذاری را پناه بدهد، و هر آن کس که به غیر پدرش نسبت داده شود یا به غیر از آزادکنندگان خویش منتسب گردد، پس به آنچه خداوند نازل کرده کافر است و هر که خود را از آن غیر صاحبان خود بداند، پس لعنت خداوند بر او باد.

در سند، نام «کلب اسدی» آمده است که در رجال معتبر است. دیگر روات نیز از ثقات هستند. بنابراین، روایت حسنه است.

۱. الکافی، ج ۱۴، ص ۲۸۸، ح ۷ (ج ۷، ص ۲۷۵)؛ الوافی، ج ۱۶، ص ۵۷۱، ح ۱۵۷۰۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۲۷، ح ۳۵۰۶۵.

معمولاً در کنار غلاف شمشیرها محفظه‌ای کیف‌مانند بوده که با نخ و ریسمانی به غلاف شمشیر متصل می‌شده است و به آن «ذُوَابَةٌ» می‌گفتند.

روایت دوم: حسنه مثنی بن اسد حنّاط

الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنْ مِثْنَى: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: وَجَدَ فِي قَائِمِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَحِيفَةً: إِنَّ أَعْتَى النَّاسِ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَاتِلُ غَيْرَ قَاتِلِهِ، وَالضَّارِبُ غَيْرَ ضَارِبِهِ؛ وَمَنْ ادَّعَى لِغَيْرِ أَبِيهِ، فَهُوَ كَافِرٌ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ وَمَنْ أَحْدَثَ حَدَثًا، أَوْ آوَى مُحْدَثًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صِرْفًا وَلَا عَدْلًا.^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: در دسته و قبضه شمشیر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نوشته‌ای یافت شد: به راستی که طغیانگرترین مردم در پیشگاه خداوند کسی است که دیگری را بکشد؛ بدون آنکه طرف مقابل، قصد کشتن او را داشته باشد یا اینکه قاتل، ولیّ دم باشد. کسی که دیگری را بزند، بدون آنکه او را زده باشد و کسی که برای غیر پدرش ادّعا کند، پس او به آنچه که خداوند بر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نموده، کافر است. و کسی که بدعتی ایجاد کند یا بدعت‌گذاری را پناه بدهد، خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز قیامت نه توبه‌ای از او می‌پذیرد و نه فدیة‌ای.

در سند، نام «مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ» آمده که معتبر است. بنابراین، روایت حسنه است.

معنای روایت آن است که سرکش‌ترین مردم نسبت به خدا کسی است که غیرقاتلش را بکشد و نیز آن کس که غیرضاربش را بزند. به عبارت دیگر، شما حق ندارید کسی را بکشید مگر آن کس که قصد

۱. الکافی، ج ۱۴، ص ۲۸۴، ح ۱ (ج ۷، ص ۲۷۴).

داشته باشد شما را بکشد و حق ندارید کسی را بزنید مگر کسی را که قصد داشته باشد شما را بزند. به دیگر سخن، شما می‌توانید از خود در مقابل دیگران دفاع کنید تا آسیبی به شما نرسد.

از دیگر مصادیق سرکش‌ترین مردمان، انسان بدعت‌گذار است؛ یعنی کسی که امری که در دین وجود نداشته است حادث می‌کند و نیز آن که بدعت‌گذاری را پناه می‌دهد. خداوند هیچ‌یک از اعمال این شخص را قبول نمی‌کند.

روایت سوم: خبر فضیل بن سعدان

وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَتْ فِي ذُوَابَةِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَحِيفَةٌ مَكْتُوبٌ فِيهَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ قَتَلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ ضَرَبَ غَيْرَ ضَارِبِهِ أَوْ أَحَدَثَ حَدَثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا وَكُفِّرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ الْإِنْتِفَاءُ مِنْ حَسَبٍ وَإِنْ دَقَّ^۱.

فضیل بن سعدان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در کیسهٔ همراه بند شمشیر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نامه‌ای بود که در آن نوشته بود: لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر آن کس که شخصی را که قصد سوئی به او نداشته است بکشد یا بزند یا حادثه‌ای و بدعتی را بیافریند یا حادثه‌انگیز یا بدعت‌گذاری را پناه دهد. و نوعی کفر به خداوند بزرگ این است که انسان از حسبی که دارد - هرچند پست و کوچک باشد - خود را جدا کند و آن را انکار نماید.

سند این حدیث به سبب وجود «فضیل بن سعدان» که مهمل است، ضعیف محسوب می‌شود.

کتاب فوق در روایات شیعه با عنوان صحیفه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۸، ح ۵۱۷۴.

شناخته می‌شود و در روایات اهل سنت از آن با نام صحیفه علی (علیه السلام) تعبیر می‌شود. بخاری،^۱ نسائی،^۲ ابن‌ماجه،^۳ طیالسی^۴ و بزار^۵ از آن با عنوان صحیفه علی (علیه السلام) نام برده‌اند.

محمود ابوریه در کتاب *أضواء عن السنة المحمدية دفاع عن الحديث* گفته است:

حديث صحيفة علي رضي الله عنه، هذا الحديث رواه الجماعة أحمد والشيخان وأصحاب السنن بالفاظ المختلفة أما البخاري فقد رواه عن أبي جحيفة في كتاب العلم بلفظ قلت لعلي: هل عندكم كتاب؟ قال: لا، إلا كتاب الله، أو فهما أعطيه رجلا مسلما، أو ما في هذه الصحيفة. قلت: وما في هذه الصحيفة؟ قال: العقل وفكاك الأسير، ولا يقتل مسلم بكافر.^۶

سؤالی در ذهن راوی بوده است که آیا علی (علیه السلام) قرآن دیگری دارد. حضرت (علیه السلام) فرمودند: خیر، همین کتاب خداست؛ ولی فهمی دارم که به مرد مسلمان داده شده است [یعنی قدرت استنباط و فهم دارم] و نیز آنچه در این صحیفه است. پرسیدم: در آن چیست؟ فرمودند: عقل و خردمندی و آزادی اسیر و اینکه مسلمانی در مقابل کافر کشته و قصاص نمی‌شود.

نکته قابل توجه در این روایت، اهمیت دادن به عقل است. متأسفانه آنچه امروز در بعضی از حوزه‌های علمیه ترویج می‌شود

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۱۱.

۲. سنن نسائی، ج ۸، ص ۲۳، ح ۴۷۴۴.

۳. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۸۸۷، ح ۲۶۵۸.

۴. مسند طیالسی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۹۲.

۵. مسند البزار، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۴۸۶.

۶. *أضواء عن السنة المحمدية*، ص ۴۴.

اخباری‌گری است. محور اساسی اخباری‌گری نوین، تعطیلی عقل و خرد است؛ در حالی که محور اساسی و بن‌مایه دین، عقل است. از جمله آفت‌هایی که آهسته آهسته مانند خوره به جان برخی حوزه‌های علمی افتاده، تصوّف است که به نام عرفان و درواقع تصوّف حوزوی تبلیغ می‌شود. در این عرفان، توهمات و خیالات را ترویج می‌دهند. یکی از این توهمات، کشف و کراماتی است که برای بعضی از شخصیت‌ها قائل می‌شوند که غالباً از مجعولات است.

برای نمونه، اگر سخنران یا نویسنده‌ای بر منابع و احادیث صحیح‌السند متمرکز شود، از او کمتر استقبال می‌شود و اشخاصی که به او گوش می‌دهند و سخنش را می‌پذیرند ندارند؛ اما اگر کسی از کشف و کرامات مجعول سخن بگوید، بسیار گوش شنوا خواهد داشت.

هر کس بگوید عقل را باید کنار گذاشت، این سخنش، خلاف دین و مذهب است؛ چراکه حجت اصلی عقل است و حجیت انبیاء و اعتقاد به آنان با عقل ثابت می‌شود. اگر عقل تعطیل شود، چگونه می‌توانیم نبوت پیامبران و ارسال رسل را ثابت کنیم؟ با برهان‌های عقلی است که می‌شود حجت ظاهری را که انبیاء باشند اثبات کرد.

محمود ابوریه در ادامه می‌نویسد:

وفي كتاب الجهاد بلفظ: قلت لعلی: هل عندكم شيء من الوحي، إلا ما في كتاب الله؟ قال: لا والذي فلق الحبة، وبرأ النسمة، وما أعلمه إلا فها يعطيه الله رجلاً في القرآن وما في هذه الصحيفة. قلت: وما في هذه الصحيفة؟ قال: العقل وفكاك الأسير وأن لا يقتل مسلم بكافر.^۱

در کتاب جهاد بخاری با این عبارت آمده است: به علی (علیه السلام) گفتم:

۱. أضواء على السنة المحمدية، ص ۴۴.

آیا از آیات قرآن غیر از کتاب خدا چیزی پیش شما هست؟ حضرت ﷺ فرمودند: خیر. سوگند به خداوند که من چیزی از قرآن نمی‌فهمم، مگر آن فهمی که خداوند در قرآن به من داده است و آنچه که در این صحیفه است. سؤال شد: چه چیز در این صحیفه است؟ حضرت ﷺ فرمودند: عقل و آزادی اسیر و اینکه مسلمانی در مقابل فعل کافر قصاص نمی‌شود.

ایشان در ادامه چنین آورده است:

وفي باب الديات: سألت علياً رضي الله عنه: هل عندكم شيء مما ليس في القرآن؟ فقال: والذي فلق الحبة وبرأ النسمة، ما عندنا إلا ما في القرآن إلا فهما يعطى رجل في كتابه، وما في هذه الصحيفة. قلت: وما في هذه الصحيفة؟ قال: العقل وفكاك الأسير إلخ.^۱

بنابراین، اهل سنت نیز معتقدند که علی رضي الله عنه کتابی دارد مشتمل بر آنچه از پیامبر ﷺ نوشته است.

حال سؤال این است که آیا این کتاب همان نوشته‌ای است که در غلاف شمشیر پیامبر ﷺ بوده است؟ در پاسخ می‌گوییم احتمال دارد همان باشد و ممکن است غیر آن و مکتوبی دیگر باشد.

در منابع اهل سنت آمده است که یک نسخه از آنچه در غلاف شمشیر رسول خدا ﷺ بوده، در غلاف شمشیر امیرالمؤمنین علی رضي الله عنه نیز بوده است. البته براساس آیه مباهله^۲ و اعتقاد ما نیز همین‌گونه است؛ زیرا علی رضي الله عنه نفس پیامبر ﷺ است.

ار آنچه گذشت، معلوم می‌شود که تدوین حدیث از زمان حیات

۱. أضواء على السنة المحمدية، ص ۴۴.

۲. سورة آل عمران، آیه ۶۱.

رسول خدا ﷺ شروع شده است. برای اثبات این مدعا باید بینیم کدام یک از اصحاب رسول خدا ﷺ به تدوین حدیث روی آوردند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در رأس صحابه و نخستین کسی است که سنت رسول خدا ﷺ را تدوین کرد. در روایات صحیفه، عنوان «ذؤابة سیف رسول الله ﷺ» وجود دارد. ذؤابه همان کیسه کوچک چرمی است که بر دست شمشیر آویزان می‌کنند؛ یعنی مکتوبی که همراه شمشیر ایشان و به املاي حضرتشان و خط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است. همچنین در روایات آمده است که این مکتوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیده و در برخی روایات دیگر نقل شده که نسخه بدل این مکتوب در شمشیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم بوده است. اینکه دو نسخه تدوین شده است - یعنی یکی در غلاف شمشیر پیامبر ﷺ و دیگری در غلاف شمشیر امیرمؤمنان (علیه السلام) - یا اینکه یک نسخه بوده و سپس از پیامبر ﷺ به امیرمؤمنان (علیه السلام) رسیده است؛ هر دو احتمال ممکن است.

کتاب دوم: صحیفه الفرائض

یکی دیگر از کتاب‌هایی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت داده شده، صحیفه الفرائض است که در روایات به همین عنوان نامیده شده است. کلمه «فرائض» جمع «فرض» و در اصطلاح به معنای ارث است. محتویات کتاب فوق در باب مسائل و احکام ارث است. یکی از اختلافاتی که در احکام شیعیان با اهل سنت وجود دارد، مبحث ارث است.

در روایات وارد شده است که ائمه (علیهم السلام) در باب احکام و مسائل ارث به کتابی که در نزدشان بوده است استشهاد می‌کردند و می‌فرمودند: این کتاب به املاي رسول خدا ﷺ و به دست مبارک علی (علیه السلام) مکتوب